



جغرافیا و روابط انسانی، پاییز ۱۳۹۸، دوره ۲، شماره ۲، پیاپی ۶

تحلیلی بر "شهر دوستدار کودک"

مصطفی خزایی^۱؛ سارا خزایی^۲

۱-دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و مدرس دانشگاه شهید بهشتی

۲-دانشجوی دکتری علوم اجتماعی (گرایش بررسی مسائل اجتماعی ایران)، دانشگاه مازندران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۰

چکیده

برای اولین بار در تاریخ، اکثر جمعیت کره زمین در مراکز شهری زندگی می‌کنند. از ۷,۶ میلیارد جمعیت فعلی کره زمین، تقریباً یک سوم شهرنشینان را کودکان تشکیل می‌دهند. تخمین زده می‌شود که تا سال ۲۰۵۰، تقریباً ۷۰ درصد از کودکان جهان ساکن مناطق شهری خواهند بود.

به گزارش یونسف؛ امروزه میلیون‌ها نفر از کودکان شهری در فقر شدید و محیط‌های پرخطر برای زندگی به سر می‌برند. در این راستا برنامه‌ریزان شهری و اجتماعی و نهادهای مسئول باید در رأس تصمیم‌گیری‌های خود به کودکان توجه کنند. میلیون کودک در شهرها از خدمات اجتماعی اساسی نظیر؛ آموزش و بهداشت محروم‌اند. این کودکان مستحق زندگی در محیط ایمن هستند و به کسانی احتیاج دارند تا آنها را از استثمار و سوء استفاده‌ها محافظت کند.

مفهوم «شهر دوستدار کودک» به طور کل به این معنی است که دولت‌مردان چگونه این شهرها را بر اساس علایق بچه‌ها اداره می‌کنند و نیز به شهرهایی گفته می‌شود که در آن، حقوق اساسی کودکان مثل سلامت، حمل و نقل، آموزش و فرهنگ رعایت می‌شود. بر این اساس، کودکان به عنوان شهروندانی تعریف شده‌اند که حقوقی دارند و حق دارند نظراتشان را ابراز کنند. شهر دوستدار کودک تنها یک شهر خوب برای کودک نیست؛ بلکه شهری است که به وسیله کودکان ساخته می‌شود.

کلید واژه‌ها: شهر، شهر دوستدار کودک، فضای شهری.

کودکان آینده‌سازان و مردان و زنان آینده هستند. شهری که به کودکان خود توجه نکند، به نسل گذشته و حال و آینده خود توجه نکرده است. یکی از مهم‌ترین اقبال‌ها جامعه که باید توجه بیشتری به آنها شود کودکان و نوجوانان هستند که توجه چندانی به آنها نمی‌شود و نیازها و شرایط آنها در نظر گرفته نمی‌شود. این گروه به‌عنوان یکی از آسیب‌پذیرترین اعضای جامعه نیازمند مراقبت و حساسیت بیشتری هستند که در شهرهای امروزی جایگاه مناسبی ندارند (اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۰: ۵۲). امروزه دوره کودکی مدرن است بدین معنا که کودک امروزی امکان تجربه کوچه، خیابان و فضای باز شهری را به‌عنوان محل زندگی ندارد و اکثر اوقات خود را در خانه، کلاس فوق‌برنامه و تحت نظارت مستقیم والدین می‌گذراند و اکثر اوقات فراغت او به دلایل مختلف با وسایلی چون تلویزیون و رایانه و تلفن همراه و... سپری می‌شود. کودکان بیشتر در محیطی رشد می‌کنند که برایشان خسته‌کننده است و به‌جای تجربه محیط و ماجراجویی در دنیای پیرامون، در جستجوی تخیل، هیجان‌ها، افسانه‌ها و تقلید از تلویزیون و بازی‌های رایانه‌ای هستند و از این کودکان نمی‌توان انتظار انسان‌های جسور، خلاق و کنجکاو داشت (فرهنگ و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۴). کودکان کمتر در محیط شهر و محله حضور دارند که نتیجه‌اش کاهش تحرک و تعامل و ارتباط و درک محیطی کمتر است و فرصت بازی و حتی راه رفتن با آرامش در شهر برای کودک روزبه‌روز کمتر می‌شود.

در این باره ما دچار نوعی پسرفت هستیم چون در گذشته‌های نه‌چندان دور، کوچه و خیابان برای کودک سنتی فقط محل گذر و معبر نبود بلکه جای مکث، تربیت و تجربه نیز بود. در محلات و شهرها مکان‌های مناسبی برای بازی و سرگرمی و تعاملات اجتماعی وجود داشت که روزبه‌روز جای خود را به ساختمان‌های عظیم و بلند می‌دهند.

در واقع با مشارکت خود کودکان می‌توان فضای شهری دلخواه آنان را طراحی کرد. یک فضای شهری مناسب کودکان فضایی است که از ابعاد مختلف، کالبدی، اجتماعی و روان‌شناختی نیازها و خواسته‌های کودکان را مورد توجه قرار دهد و محیطی برای رفع این نیازها فراهم آورد اهداف کلی این تحقیق خلق محله‌ای مناسب کودکان و شناسایی انتظارات و خواسته‌های آنان از شهر است (رستگار، ۱۳۸۷: ۶۱).

روش تحقیق

در این مقاله از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. در واقع از کتب، مقالات و پایان‌نامه‌هایی که در سال‌های اخیر در زمینه شهر دوستدار کودک به چاپ رسیده است مطالب مفید و مختصری استخراج شده، که در قالب یک مقاله علمی و با ساختاری روشمند ارائه شده است.

تاریخچه شهر دوستدار کودک^۱ (CFC)

تحقیق در حوزه شهرهای دوستدار کودک، به‌ویژه در اروپا، از سال‌های ۱۹۸۰ به بعد مورد توجه قرار گرفت. عمده این تحقیقات در راستای دادن حق شهروندی به بچه‌ها و رسیدگی به خواسته‌ها و نیازهای آنها بود. در این راستا طرح‌هایی با عنوان "شهرهایی برای کودکان" و "یا" شهرهایی برای دختران و پسران " تعریف می‌شد. این طرح‌ها بر سه فاکتور اساسی تأکید داشت:

۱- برنامه‌ریزی مشارکتی که در آن بچه‌ها همانند دیگران در راستای ساختار دادن شکل فضایی محیط نقش اساسی دارند

۲- مراکز کودکان که به آنها فرصت جمع‌آوری و شکل دادن به خواسته‌هایشان را می‌دهد

۳- ایجاد انگیزه و فرصت دادن به بچه‌ها در راستای تصمیم‌گیری‌های محیطی بدون دخالت دادن نظرات بزرگ‌ترها (UNICEF, 2008).

طی سال‌های اخیر پیرامون شهر دوستدار کودک در کشورهای پیشرفته مطالعات و تحقیقات زیادی انجام گرفته است. اولین بار در سال ۲۰۱۷ میلادی شهر «بندیگو» در استرالیا از طرف سازمان یونیسف به‌عنوان «شهر دوستدار کودک» اولین شهری که تمام جنبه‌ها و ویژگی‌های یک شهر دوستدار کودک را از نظر یونیسف به خود اختصاص داده بود، معرفی و به رسمیت شناخته شد. در این شهر حقوق کودکان به‌عنوان اولویت اصلی و اساسی در تمام رویکردها مورد توجه قرار دارد. توجه به مفهوم شهرهای دوستدار کودک در ایران سابقه چندانی ندارد. شاید بتوان گفت اولین توجه جدی به این موضوع پس از زلزله مخرب سال ۱۳۸۲ در بم صورت گرفت به‌گونه‌ای که سازمان یونیسف با همکاری دیگر نهادها، پروژه شهر دوستدار کودک را با هدف «مشارکت جمعی» کودکان تعریف و آن را هدف‌گذاری کرد (نصیری نسب، ۱۳۸۶: ۶۵).

کودک در کنوانسیون جهانی

پیمان‌نامه حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ به تصویب سازمان ملل رسید و در سال ۱۹۹۰ قریب به ۲۰ کشور و هم‌اینک بیش از ۱۹۰ دولت با امضای خود به اجرای مفاد آن متعهد شده‌اند. این کنوانسیون با ۵۴ ماده حقوقی در تعریف کودک آورده است: (منظور از کودک افراد انسانی زیر ۱۸ سال است مگر آنکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود).

^۱ Child-Friendly City

^۲ Bendigo

بنابراین در ساختار حقوق کودک مبانی حقوقی و انسانی زیر مورد تأکید است: عدم تبعیض جنسی، نژادی، قومی و دینی؛ حق حیات، بقا و رشد؛ احترام به دیدگاه کودک؛ عدم شکنجه و بازداشت و زندانی کردن کودکان آزادی اندیشه و دین و شرکت در اجتماعات؛ حق تأمین به‌ویژه در مواقع بی‌سرپرستی تأمین اجتماعی بیمه و بهداشت و درمان، آموزش اجباری، زبان مادری و حق تفریح (غفوری، ۱۳۸۷: ۵۸).

- ۱- توجیه جایگاه کودک در شهر و زمینه‌سازی برای تربیت سالم او در محیط جمعی
- ۲- توجیه نیازهای فضای جمعی کودک و تأمین اجتماعی او در شهر و رعایت حقوق و انتظاراتی که کودک از نظر جسمی و روانی در مراحل رشد خود به آن نیازمند است.
- ۳- تأمین نیازهای زندگی جمعی کودک و نظارت بر رفع نیازهایی که در محیط اجتماعی شهر، کودک در مراحل رشد خود به آن نیازمند است.
- ۴- طرح فضا و تأمین امکانات مورد نیاز کودک که زمینه رشد شخصیتی او را فراهم می‌کند.
- ۵- تدوین و پیشنهاد برنامه به‌منظور تقویت تشکیلات نهادهای مرتبط با کودک که در این ارتباط مراکز فرهنگسرای مورد توجه بیشتری قرار گرفته‌اند آماده‌سازی شهر برای کودک در قالب یک زندگی جمعی (شعبه، ۱۳۸۶: ۱۴).

اساس‌نامه شهرهای دوستدار کودک

در سپتامبر سال ۲۰۰۰ میلادی، دبیرخانه جهانی شهرهای دوستدار کودکان (CFC) ایجاد شد، تا این حمایت را انجام دهد و نیز مرجعی برای این کار باشد. سازمان CFC اصول کلی را درباره حمایت از رشد شهرهای مطلوب کودکان و رشد همکاری‌های دیگر، آماده کرد. قبل از سال ۲۰۰۰ این شبکه، فرم خاص و هیچ تشکیلات پاسخگو برای ضروریات و کمبودها تا آن زمان نداشت. چنانکه اساس‌نامه CFC در سال ۲۰۰۰ به این شرح است:

- تحقیقات میدانی و نوآوری توسط دولت محلی در جهت احقاق حقوق کودکان
- گسترش شبکه بر اساس اطلاعات کودکان در جهت ایجاد شهر ایدئال برای آنها
- حمایت از گسترش نشریات و ترویج و توسعه شهرهای دوستدار کودک در مراکز محلی و جهانی بر اساس معیارها و اساسنامه سازمان ملل متحد جهت توسعه شهرهای دوستدار کودکان جهان (Riggio, ۲۰۰۲).

دلایل ایجاد شهرهای دوستدار کودک

درخواست برای ایجاد شهرهای دوستدار کودک، ریشه در شناخت این موضوع دارد که شهرها خانه‌هایی جهت افزایش حمایت از حقوق کودکان هستند. با این وجود بسیاری از شهرهایی که ایدئال بچه‌ها نیستند، دولت‌هایی را دارند که اقدامات اندکی در این جهت برمی‌دارند (UNICEF, ۲۰۰۲). ایجاد محیط‌های شهری که واقعاً از جامعه کودکان حمایت

کنند مستلزم بررسی و مطالعه دامنه گسترده‌ای از موضوعات در سطوح مختلف محلی، ملی و جهانی است. شهر را نباید فقط محل سکونت دسته‌ای از افراد و مرکز قراردادهای دانست، بلکه آن متشکل از روحيات، افکار، آداب و رسوم، معتقدات و احساسات خاص همه افراد است.

جایگاه و شرایط کودک در شهرهای جهان

کودکان در کشورهای مختلف جهان با شرایط متفاوتی زندگی می‌کنند و می‌توان از نظر توجه به کودکان در طراحی فضاهای شهری، کشورها را به سه دسته تقسیم نمود:

- ✓ اولین دسته کشورهای هستند که مهم‌ترین تلاششان برای زنده نگه‌داشتن کودکان است. اینکه اگر بیمار شدند، درمان نمایند و مهم‌ترین هدفشان جلوگیری از بیمار شدن کودکان است (کشورهای کمتر توسعه‌یافته)؛
- ✓ دومین گروه کشورهای هستند که به مرحله سواد و تربیت جسمی و فکری کودکان هم توجه می‌کنند (کشورهای در حال توسعه)؛
- ✓ و سومین دسته کشورهایی‌اند که نه‌تنها برای کودکان حقوقی قائل‌اند بلکه رعایت این حقوق را بر فرد واجب می‌دانند (شیعه، ۱۳۸۵: ۳۲). مهم‌ترین اقدام در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، جلوگیری از مرگ و میر کودک و در کشورهای در حال توسعه، بهبود تغذیه و رعایت حقوق او از طریق آموزش و ممنوعیت کار و در کشورهای توسعه‌یافته صنعتی، گسترش دامنه‌های حقوق فردی و اجتماعی کودکان است.

حضور کودک در فضای شهری

کودک دنیا را به صورتی کاملاً متفاوت ادراک می‌کند. نقش محیط زندگی کودک و امکانات در دسترس در این محیط برای ایجاد تحرک آزاد و مستقل، گسترش مهارت‌های بدنی و ایجاد پیوندهای عاطفی و روحی قابل چشم‌پوشی است. تماس مستقیم با محیط‌های سالم بیرونی یکی از ابعاد مهم رشد کودک محسوب می‌شود. درحالی‌که آموزش رسمی در فضاهای بسته صرفاً بخشی از حواس کودک را فعال می‌کند، یادگیری فعال در محیط‌های بیرونی عمومی نسبت به محیط‌های بسته خصوصی، تمام ابعاد رشد کودک را برمی‌انگیزد. بدیهی است که آموزش موضوعات محیطی نظیر حفظ سرمایه‌ها و میراث طبیعی و فرهنگی و تاریخی و آموزش مفاهیم شهروندی و مشارکت اجتماعی در بستر فضاهای باز شهری محلی نظیر بوستان، فضاهای باز، فضاهای جمعی بسیار خلاقانه‌تر و مؤثرتر صورت خواهد گرفت.

جهت مناسب‌سازی هر چه بهتر یک فضای شهری برای حضور کودکان می‌بایست به تمامی نیازهای کودکان در همه ابعاد چه روحی و چه جسمی توجه شود که این نیازها عبارت‌اند از:

الف) نیازهای جسمی کودک در فضای شهری مانند:

- متناسب بودن محیط با شرایط رشد کودک

- نیاز به بازی
- نیاز به طبیعت
- (ب) نیازهای روحی و روانی کودک مانند:
 - امنیت کودک در فضای شهری
 - احساس تعلق به مکان
 - نیاز به مشارکت در امور
 - برانگیختن خلاقیت کودک
 - نیاز به آرامش و آسایش در فضای شهری
 - آموزش کودک در فضای شهری
 - نیاز به بهداشت محیطی (نامجور، ۱۳۹۴: ۳۵).

ایمنی و امنیت کودک در شهر

کودک به شدت نسب به عوامل تهدید کننده محیطی حساسیت فیزیکی و روانی دارد. وی به شرطی در محیط محله و ناحیه مسکونی فعالیت می کند که کلیه حواس وی در وضعیت متعادل و آسایش و ایمنی باشد. او مصلحت های رایج بزرگسالان را رعایت نمی کند. به طور مثال آلودگی صوتی و آلاینده های هوا و عدم وجود قلمرو فیزیکی و روانی مطلوب و حس ازدحام مانع تعامل مطلوب کودک با محیط خواهد شد. همچنین وجود هرگونه تهدید ایمنی و امنیت که محل تعادل قوای محیطی و ذهنی کودک باشد. مانع بروز استعداد های خلاقانه وی است (مظفر و همکاران، ۱۳۸۶).

جهت فراهم آمدن شرایط ادراک محیطی برای کودکان یکی از مهم ترین عوامل، ایجاد فضای امن است، که الزاماتی به همراه دارد، الزاماتی که طبیعتاً با دریافت های کودکانه نسبت مستقیمی دارد. الزاماتی که به ارگونومی یا ویژگی های جسمی کودکان تعبیر می شود، همچنین استفاده از مصالح مناسب کاستن موانع و خطرات محیطی. منظور از داشتن احساس ایمنی و امنیت برای مشارکت کامل در زندگی و انجام چیزهایی است که کودکان و نوجوانان نیاز به انجام آنها دارند. در این زمینه محیط ساخته شده می تواند در تجربه ایمنی و امنیت کودکان از طریق زیر نقش داشته باشد:

۱- افزایش امنیت اماکن عمومی جامعه برای کودکان

۲- افزایش توانایی کودکان در احساس امنیت و ارتباط با جامعه (کیانی و اسماعیلی زاده، ۱۳۹۱).

فضای شهری مترکم امروزی، آکنده از خشونت است، در فضاهای عمومی شهری، اتومبیل ها با سرعت های متفاوتی در حرکت می باشند که برای کودکان خطر آفرین است و چشمان حساس منتظران خطا کار، به منظور رواج اعتیاد، جرم و جنایت در تکاپو می باشد. دامنه مسائل اجتماعی، روانی و اخلاقی در بعضی از فضاهای شهری به وضوح گسترش یافته

است. در شهرهای متراکم امروزی؛ تصادف، ایمن نبودن کودکان و حتی بزرگسالان از بعضی از فضاهای خشونت باز شهری، هراس و اضطراب ساکنان شهر از ساختمان‌های حجیم و اتفاقات غیرمترقبه‌ای که امکان وقوع آن در شهر وجود دارد بسیار رایج است (فرح پور و بختیاری، ۱۳۸۸: ۷۵).

امنیت فضای شهری به منظور رفت‌وآمد کودکان بسی مهم و قابل توجه است. فضای شهری باید به گونه‌ای باشد که همه اقشار جمعیت را ایمن سازد. ایمنی از نظر رفت‌وآمد وسایط نقلیه، برخورد با افراد نامناسب، ایمن بودن فضا از نظر آلودگی‌های صدا و هوا و محیط، دید و منظر، خشونت زا بود، راه رفتن، تماس گرفتن با افراد مختلف و مانند آنها، اجزایی از برنامه‌های ایمن‌سازی فضاهای شهری است. فضای شهر باید به مثابه یک محیط سالم و صمیمیت بخش برای انواع گروه‌های جمعیت و به عنوان فضای عمومی زیست خانواده بزرگ شهری مطرح باشد. در این مورد کودکان در تقدم قرار می‌گیرند. به طور اصولی، محله و فضاهای درون آن‌ها از نظر ارتقاء سطح روابط اجتماعی سالم، در درجه نخست باید برای کودکان به وجود آید. امروزه، برنامه ریزان محیطی از عدم امکان شکل‌گیری فضاهای شهری مناسب برای کودکان آگاهی بیشتری یافته‌اند و پدر و مادرها با صراحت از نگرانی خود درباره اجازه یافتن بچه‌ها به منظور بازی در خیابان‌ها و راه‌های پیاده بین خانه و مدرسه سخن به میان می‌آورند. باید برای کودکان فضاهایی را شکل داد که آنان بتوانند با احساسات و خصوصیات دنیای کودکی خود در آن زندگی کنند و با فراغ بال به رفت‌وآمد بپردازند (شیعه، ۱۳۸۵: ۲۱).

امنیت کودک در فضای شهری از دو جنبه قابل بررسی می‌باشد:

- فقدان امنیت اجتماعی
- فقدان امنیت فیزیکی

به طور کلی ایمنی و امنیت شامل موارد زیر می‌باشد:

- ✓ امنیت کودک در برابر دزدیده شدن، مورد تجاوز قرار گرفتن و ... حذف نقاط کور و نظارت اجتماعی بر فضا توسط حداقل یک بزرگسال می‌تواند امنیت کودک در فضا را افزایش دهد.
- ✓ کودک باید در برابر گم شدن در محیط ایمن باشد، با استقرار برخی نشانه‌ها و المان‌ها در مسیر دبستان تا خانه می‌توان به افزایش این حس کمک کرد.
- ✓ ایمن بودن کودک در برابر تصادفات و خطرات، که با اعمال محدودیت سرعت وسایل نقلیه در محدوده‌های مورد نظر و نیز ایجاد تمهیداتی جهت عبور عرضی ایمن برای کودک میسر می‌شود.

فضای شهری و آموزش کودک

کودکان از فضای شهری درس‌ها و آموخته‌هایی می‌گیرند که چه بسا ممکن است آنان را از نظر رفتاری بیش از آموزه‌های داخل خانه یا مدرسه متأثر سازد. کودکان در فضای شهری با افراد مختلف اعم از هم‌سن‌ها یا غیر هم‌سن‌ها و آدمیان

مختلفی که از نظر سطح فرهنگی و اجتماعی گوناگون‌اند، تماس می‌گیرند. راه بین خانه و مدرسه از میان چنین فضاهایی می‌گذرد و سهم عمده‌ای از اوقات فراغت آنان در این فضاها سپری می‌گردد. در این گونه فضاها اگر کودکان به نحو هدایت شده و درستی نظارت نشوند، محدودیتی برای آموزش آنچه در این فضاها می‌گذرد، ندارند. اگر فضای شهری نقش هدایتگر درستی نداشته باشد، کودک به همان اندازه از آن می‌آموزد و یاد می‌گیرد که این فضاها نقش تخریبی به خود گرفته و زحمات تربیتی تعلیم داده شده را نیز بر باد دهند. از این دیدگاه چنین فضاهایی به‌عنوان زبان گویای شهر محسوب شده و مهم‌ترین عامل ارتباطی شهر با تمام اقشار است (شیعه، ۱۳۸۵: ۲۵).

اگر این فرض را که مهم‌ترین هدف کودک برای حضور در فضای شهری پرداختن به بازی است را بپذیریم، آنگاه می‌توان این حضور را شیوه‌ای برای آموزش و یادگیری کودک دانست. کودکان از طریق بازی کردن با دنیای اطراف خود ارتباط برقرار می‌کنند و برای کشف محیط اطرافشان برانگیخته می‌شوند. در حین بازی کردن تجربیاتی کسب می‌کنند و در حین لذت از آنها، بدون اینکه به‌طور مستقیم درس داده شوند، فرآیند یادگیری صورت می‌پذیرد. این تجربیات طیف گسترده‌ای از فعالیت‌هایی چون: حرکت کردن، ساختن، وانمود کردن، آزمایش کردن، قایم شدن، پرت کردن، خاک‌بازی، آب‌بازی و... را شامل می‌شوند. در حالی که، آنچه برای بزرگسالان نوعی "ریخت‌وپاش" و بی‌نظمی در بازی کودکان است، برای کودک بخشی ضروری و حیاتی از مراحل بازی و مکمل رشد محسوب می‌شود. همان‌گونه که (فرایند برک)، طرح زمین‌بازی کودکان در کتاب خود نوشته است: جهان لابراتوار و آزمایشگاهی برای کودک است و کودک دانشمند و محقق آن (ایزدپناه، ۱۳۸۳).

تأثیر محیط در شکل‌گیری شخصیت کودک

شخصیت به‌کل خصایص بدنی و ذهنی و عاطفی و اجتماعی و اخلاقی، اعم از موروثی و اکتسابی فرد اطلاق می‌شود که او را به‌طور آشکار از دیگران مشخص می‌کند. شخصیت شامل آنچه فرد امروز هست و آنچه امیدوار است بشود، می‌باشد (شعاری نژاد، ۱۳۸۵). همان‌گونه که جسم کودک از بدو تولد در مراحل مختلف رشد تحول می‌یابد، روان کودک و تفکرات و اندیشه‌های او نیز تکامل پیدا می‌کند و به این ترتیب شالوده شخصیت فرد پیریزی می‌شود. عوامل مؤثر بر رشد شخصیت عبارت‌اند از:

- ۱- عوامل شخصی (شامل بدن، نام کودک، هوش، سطح آرزو و ...)
- ۲- عوامل خانوادگی (شامل مادر، پدر، وضع زندگی خانوادگی، وضع اقتصادی و اجتماعی)

۳- عوامل اجتماعی (شامل محیط مدرسه و محیط اجتماعی عمومی). شخصیت کودک همان طوری که از محیط خانه و مدرسه متأثر می شود، محیط اجتماعی به معنای وسیع آن نیز در او مؤثر است (شعاری نژاد، ۱۳۸۵).
در مجموع می توان به این نتیجه رسید که کودک علاوه بر خانواده و مدرسه، روش های رفتاری، کرداری، نحوه نگرش و شخصیت خود را از محیط اجتماعی پیرامون خود می گیرد. برخی از آنها مانند نوع تربیت و رفتار به طور مستقیم و در اثر تماس به کودک منتقل می شود و پاره ای دیگر مانند فقر و بی سوادی، نوع مسکن و دیگر شرایط به طور غیرمستقیم نقش خود را کودک باقی می گذارد. فساد در محیط یا سالم بودن آن حاصلی جز آنچه از آنها انتظار می رود، در پی ندارد (شیعه، ۱۳۸۵).

بی توجهی به کودکان در طراحی فضاهای شهری و تأثیر آن بر شخصیت کودک

محیط های شهری در بسیاری از شهرها بیانگر نوعی محرومیت و ضعف در جلب کنجکاو، تخیل و ایجاد انگیزه و علاقه برای کودکان می باشد. بی توجهی به این مسائل، محیط روانی و اجتماعی کودکان را آشفته ساخته و تأثیر نامناسبی در جریان رشد آنان می گذارد. یکنواختی و ضعف محیط کالبدی، آثار ماندگار و همیشگی بر رشد ذهنی و اجتماعی و عاطفی کودک باقی می گذارد (شیعه، ۱۳۸۵). در نظر نگرفتن کودکان در طراحی فضاهای شهری، موجب احساس بیگانگی آنها به محیط محلی می شود. آنها احساس ناخواسته بودن و رها شدن می کنند. با سایر گروه های سنی اختلاط نمی کنند، در مکان های عمومی دیده نمی شوند و دچار کسالت و بی حوصلگی می شوند (Dryks1, 2007). کودکان برای تأمین علاقه مندی های خود نیاز به فضایی دارند که باید در خانه و مدرسه و یا در فضاهای عمومی به جست و جوی این فضاها باشد، در غیر این صورت موجوداتی افسرده و تحت فشار روان محیطی قرار می گیرند. امروزه ثابت شده است که فشارها و ناسازگاری های عاطفی دوران کودکی، عامل اصلی اشاعه و گسترش فشارها و ناراحتی ها و ارتباط عاطفی آنها در دوران بزرگسالی است (داگلاس، ۱۳۷۴). همچنین ثابت شده است که سهم عمده از کودکانی که در مجتمع های بزرگ آپارتمانی زندگی می کنند، از مشکلات رفتاری بالا رنج می برند (داگلاس، ۱۳۷۴). خفه بودن محل مسکونی، فقدان برق، فقدان آب گرم لوله کشی، شلوغی خانه و مانند آنها نیز از جمله عوامل به وجود آمدن فشار روانی بر کل خانواده و از جمله کودکان است (شیعه، ۱۳۸۵). مشارکت و توجه کودکان در طراحی فضاهای شهری موجب افزایش اعتماد به نفس و توانایی های آنها و بروز خلاقیت و نوآوری در آنها می شود. همچنین این توجه در طولانی مدت موجب کاهش هزینه های حفاظتی می شود زیرا کودکان به آنچه احساس می کنند متعلق به آنان است اهمیت بسیاری می دهند (Dryks1, 2007).

فضای شهری مطلوب برای کودک

فضاهای شهری در بسیاری از شهرهای کوچک و بزرگ، بیانگر نوعی محرومیت و ضعف در جلب کنجکاوی، تخیل و ایجاد انگیزه و علاقه برای کودکان می‌باشد. در شهرهایی که به صورت خودرو رشد کرده‌اند و یا با تأکید اساسی مورد طرح و برنامه‌ریزی قرار نگرفته‌اند، جای تفکر و تأمل در رشد و توسعه شهر برای کودکان خالی است (آقا لطفی، ۱۳۸۷: ۳۸). شهرها بنا بر شرایط خود به نحوی پا گرفته‌اند، که برای کودکان محیط خشنی را به وجود آورده‌اند. بی‌توجهی به این مسائل محیط روانی و اجتماعی کودک را آشفته ساخته و تأثیر نامناسبی بر جریان رشد آنان می‌گذارد. یکنواختی، همسانی و ضعف محیط کالبدی، آثار ماندگار و همیشگی بر رشد ذهنی و اجتماعی و عاطفی کودک باقی می‌گذارد. کودکان نیازمند محیط‌هایی هستند که آنان را مخاطب قرار دهد، به چالش وا دارد و جلب توجه آنان را بکند تا آنها مشاهده کنند و بیاندیشند. خیابان‌ها و میدان‌ها دارای آب‌نما، کودکان را به مشارکت و توجه دعوت می‌کند. فروشگاه‌های جذاب و علائم خیابانی، جشن‌ها و جشنواره‌ها، بازارها و فضاهای باز و سبز منشأ علاقه و جذابیت دائمی برای کودکان است (شیعه، ۱۳۸۵).

دریکسل فهرستی از شاخص‌های یک مکان خوب برای کودکان را بر مبنای ارزیابی کودکان و نوجوانان از جوامع محلی خود ارائه داده است، که عبارتند از:

- ۱- هم‌بستگی اجتماعی؟ کودکان و نوجوانان با سایر گروه‌های سنی در مکان‌های عمومی و نیمه عمومی به تعامل می‌پردازند، آنان در جامعه احساس خوشایندی دارند و احساس تعلق و ارزشمند بودن می‌کنند.
- ۲- تنوع مکان‌های پرجاذبه برای فعالیت و مکان ملاقات افراد هم سن و سال؛ باید مکان‌های دنجی در اختیار کودکان و نوجوانان قرار بگیرد تا آنان بتوانند در آنها به ورزش و تفریح بپردازند. از جمله این مکان‌ها می‌توان به گوشه دنجی در کنار یک خیابان، مکانی در پارک یا میدان محلی، یک کافی‌شاپ یا فروشگاه، یک زمین‌بازی، یک مرکز اجتماع یا قطعه زمین خالی اشاره کرد.
- ۳- امنیت و آزادی تحرک: کودکان با نواحی محلی خود آشنا هستند و به‌طور کلی احساس امنیت وجود دارد. آنان می‌توانند بدون ترس و نگرانی از امنیت خود آزادانه در محدوده محلی خود رفت‌وآمد کنند.
- ۴- محدوده‌های سبز: فضای سبز به اشکال گوناگون از زمین‌های مسطح سبز برای مسابقات ورزشی دوره‌ای گرفته تا پارک‌های فرورفته در سایه درختان و محدوده‌های بکر و امن و پوشیده با گیاهان باید در دسترس همگان قرار گیرد.
- ۵- کالاهای و خدمات اولیه: ساکنان به غذا، آب پاکیزه، سرپناه و خدمات بهداشتی دسترسی داشته باشند.

⁵ social integration

⁶ peer meeting places

در سوی دیگر این طیف، شاخص‌های منفی نیز وجود دارد:

- ✓ فقر و محرومیت اجتماعی
- ✓ کسالت و بی‌حوصلگی
- ✓ ترس از آزار و اذیت و جنایت
- ✓ تنش قومی یا نژادی
- ✓ ترافیک سنگین
- ✓ زباله‌های جمع‌آوری نشده
- ✓ فقدان خدمات اولیه (دریکسل، ۱۳۸۷).

وارد نمودن طبیعت به محل سکونت کودکان، ایمنی معابر، تخصیص فضاهایی برای بازی کودکان گام‌هایی به سوی ایجاد محله مطلوب برای کودک می‌باشند. همچنین وونرف (خیابان برای زندگی) از جمله فضاهای عمومی مطلوب برای کودک است. این فضای شهری مکانی مناسب برای فعالیت‌های تجاری و اجتماعی و به‌خصوص بازی کودکان می‌باشد. وونرف‌ها خیابان‌های نسبتاً باریک، با حضور پررنگ عناصر طبیعی هستند، در این خیابان‌ها آرام‌سازی ترافیک اعمال شده است که ایمنی را برای کودکان به دنبال دارد (ایزدپناه، ۱۳۸۳).

فضای شهری باید طبیعت را به داخل شهرها بکشد. باید کودکان با تمام پدیده‌های طبیعت مانند آب، گیاه و درخت، حیوانات و پرندگان و حتی حشرات در ارتباط باشند. کودکان از این طریق می‌آموزند و می‌فهمند که به طبیعت عشق بورزند و آن را حفظ کنند (کامل نیا و حقیر، ۱۳۸۸: ۴۲).

فضای شهری متناسب با کودک باید دربرگیرنده چهار ویژگی اصلی باشد:

- مکانی که قوه ابتکار و خلاقیت ذاتی کودک را برانگیزد.
- مکانی که آزادی کودک را فراهم آورد.
- مکانی که هماهنگی، صداقت و مساوات اجتماعی را میان کودکان پرورش دهد.
- مکانی که میان فرهنگ و سنت ساکنان و بافت محل ارتباط برقرار کند تا کودک نسبت به فرهنگ و هویت و

گذشته شهر و محل زندگی‌اش آگاهی پیدا کند (UNICEF, 2008).

جمع‌بندی

کودکان در هر یک از مراحل رشد خود نیازهای جسمی و روحی خاص و متنوعی را دارا هستند. که این نیازها می‌بایست در فضای مشخصی پاسخ داده شود، اولین محیط تأثیرگذار بر کودک خانواده و محیط حاکم بر آن است و پس از آن

فضاهای آموزشی مانند مهدکودک و دبستان و در نوع دیگر فضا، فضاهای عمومی شهری هستند که می‌بایست پاسخگو به نیازها و انتظارات خاص کودکان باشند.

پس از یک محیط خانه مطلوب و متناسب با نیازهای روانی کودک و سپری کردن دوران نوپایی، وی پا به محیطی فراتر از خانه می‌گذارد و در یک "فضای شهری" قرار می‌گیرد. این فضا می‌بایست در عین ایمن بودن موجب بروز رفتار خلاقانه، بالا رفتن سطح مشارکت وی، ایجاد حس شادی و به وجود آوردن حس تعلق به مکان در کودک گردد. در این فضا طراحان و برنامه‌ریزان می‌بایست با توجه به نیازها و علایق شناسایی شده کودک سعی در برآورده سازی این انتظارات داشته باشند. حضور در طبیعت و انجام بازی‌های متنوع با اسباب و وسایل متنوع، رنگارنگ و بی‌خطر که اغلب از جنس پلاستیک هستند و استفاده از اسباب‌بازی به‌عنوان یک ابزار آموزشی می‌تواند فضا را به یک فضای تفریحی - آموزشی تبدیل کند و به فراگیری بهتر کودکان در حین بازی و مشارکت در جمع کمک کند. این فضا می‌بایست قابل کنترل و ایمن باشد و برای نظارت والدین بر فرزندان مشکلی ایجاد نکند، به‌طورکلی یک فضای شهری مطلوب می‌بایست برای تربیت و لذت کودک فراهم شود.

منابع

- اسماعیل‌زاده کواکی، علی (۱۳۹۰) بررسی و تحلیل شاخص‌های شهر دوستدار کودک، مطالعه موردی قوچان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، زابل، دانشگاه زابل.
- ایزدپناه، آیدا (۱۳۸۳) کودک، بازی و شهر؛ فرایند و اصول معیارهای برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای بازی کودکان، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران.
- آقا لطفی، آزاده (۱۳۸۷) مناسب‌سازی محیط برای خلاقیت کودکان، کنفرانس ملی خلاقیت شناسی، پژوهشکده علوم خلاقیت شناسی، تهران.
- پورجعفر، محمدرضا، انصاری، مجتبی، محمودی نژاد، هادی و علیزاده، امین (۱۳۸۹) بررسی تحلیلی چگونگی برانگیزش آفرینش‌گری کودکان در طراحی فضاها و محوطه‌های شهری با تأکید بر رابطه خلاقیت و طراحی کالبدی فضاهای بازی کودکان، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۵.
- داگلاس، جو (۱۳۷۴) مشکلات رفتاری در کودکان، ترجمه: جمال فر، سیاوش، نشر مرکز، تهران.
- دریکسل، دیوید (۱۳۸۷) ایجاد شهرهای بهتر با کودکان و نوجوانان، مترجمان توکلی، مهرنوش؛ سعیدی رضوانی، نوید، نشر دیباچه، تهران.
- رستگار، امیر (۱۳۸۷) راهنمای طراحی شهری دوستدار کودک، نمونه موردی ارتقا کیفیت بسترهای فضایی واحدهای همسایگی تا مدارس. پایان‌نامه رشته طراحی شهری. دانشگاه شهید بهشتی

- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۵) روان‌شناسی رشد، تهران: نشر اطلاعات، چاپ نوزدهم.
- شیعه، اسماعیل (۱۳۸۵) آماده‌سازی شهر برای کودکان، چاپ اول، موسسه نشر شهر، تهران.
- شیعه، اسماعیل (۱۳۸۶) نقش دهی صنعتی به شهرهای ایران. فصلنامه بین‌المللی علوم فنی و مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران، شماره ۵.
- غفوری، عطیه، (۱۳۸۷) منظر کودکان، اصول و مبانی طراحی منظر برای کودکان، پایان‌نامه رشته طراحی شهری. دانشگاه شهید بهشتی
- فرح پور، احمد و بختیاری، هیوا (۱۳۸۸) باغ کودک هزاره سوم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد منظر، دانشگاه شهید بهشتی.
- فرهنگ مظفر؛ سید باقر حسینی؛ محمدباقری؛ حمیدرضا عظمتی (۱۳۸۶) نقش فضاهای باز محله در رشد و خلاقیت کودکان، مجله باغ نظر. دوره ۴، شماره ۸.
- کیانی، اکبر و اسماعیل‌زاده، علی (۱۳۹۱) تحلیل و برنامه‌ریزی شهر دوستدار کودک (CFC) از دیدگاه کودکان مطالعه موردی: قوچان، مجله باغ نظر، سال نهم، شماره ۲۰.
- نامجور، رضا (۱۳۹۴) طراحی شهر دوستدار کودک با تأکید بر پرورش خلاقیت کودکان، مطالعه موردی: محله گل‌سار رشت، پایان‌نامه گروه شهرسازی گرایش طراحی شهری، دانشگاه گیلان.
- نصیری نسب، مامک (۱۳۸۶) تدوین معیارهای طراحی فضای شهری مطلوب برای کودکان (نمونه موردی شهر بم)، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران.

- ۱۷. Dryksl, D. (2007). *Creating Better Cities with Children and Adolescents. Translation to Farsi by Tavakoli, M. & Rezvani, N. S. Tehran: Depeche Press.*
- 18. Riggio, E. (2002). *Child friendly cities. Good governance in the best interests of the child.*
- 19. UNICEF, (2008) *the state of the world's children.*
- 20. UNICEF, (2002). *Poverty and exclusion among urban children, UNICEF innocent research Centre, Florence forthcoming. P. 24.*